



کره از گروه کالاهای مشمول ارز ۴۲۰۰ تومانی خارج و گران شد

مردم:
ما خیلی وقته
نون خالی می خوریم

کره:
خودم کار خاصی نکردم
هدیه دوستانم بوده

اطلاعیه سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی درباره کتاب ریاضی سوم ابتدایی:
تصویر قبلی شلوغ بود. از منظرهای هنری، زیبایی شناسی و روانشناسی بهتر بود که تصویر خلوت شود

ناظم مدرسه: شلوغ کنید، خلوت تون می کنم

منظرهای هنری، زیبایی شناسی و روانشناسی: چه کار دارید؟ مثل همیشه بگید مردم می خواستن.
خب زنگار لندن نشین: این در حالی است که غرب هنوز از تصویرهای روی جلد شلوغ رنج می برد
تاج: شاید زیرساخت های حضور دختران روی جلد آماده نشده.
رئیس مرکز هماهنگی آموزش و پرورش: دخترها صبح زود زنگ بزنگ مدرسه، آگه خلوت بود، بهشون میگیم بیان.
پدررومینا: دخترم خیلی شلوغ می کرد.
نماینده مجلس: پس حالا که شلوغ بوده، اینستاگرام رو فیلتر می کنیم.
کارگر خسته: از منظرهای هنری، زیبایی شناسی و روانشناسی نمی خواهید حقوق مارو بدید؟
زنان: آگه مدرسه ها تون شلوغ نمی شه، ما هم درس بخونیم.
#شلوغ نکنید خلوت کاری #شهرنگ

سنگ مفت، حرف مفت!

به جای نفس کشیدن
پسته بخور!



شهرام شهیدی
طنز نویس

از آنجا که برنامه داشتن جزء لاینفک نحوه مدیریت در کشور است پس روز برنامه نویسان را خدمت عزیزان مسئول تبریک عرض می کنیم.

اگر انتقاد می کنید که برخی مسئولان ما هیچ برنامه ای ندارند سخت در اشتباه هستید. اتفاقا همین بی برنامه گی خودش ناشی از انتخاب فلسفه بی برنامه گی است. در واقع عین کسانی که معتقدند بی نظمی خودش یک جور نظم است، بی برنامه گی مسئولان هم در کشور تبدیل به برنامه آنها شده. زیبا نیست؟
و حالا که می گوید اگر این طور است یک الگوی نمونه معرفی کن، من هم برنده بهترین برنامه نویسی سال ۹۹ را معرفی می کنم. جایزه برنامه طلایی امسال تقدیم می شود به رئیس مرکز هماهنگی آموزش و پرورش که گفت والدین روز اول سال تحصیلی و قبل از حرکت به سمت مدرسه، زنگ بزنگ بینند مدرسه باز است یا خیر. دوستان مهندس نرم افزار خرده نگیرند که فرق دوغ و دوشاب و به تیغ آن فرق برنامه ریزی و برنامه نویسی رانمی دانی. می دانم. اما این حجم از برنامه ریزی حتما نیاز به یک برنامه نویسی خیلی پیشرفته داشته. نداشته؟

بابا اصلا بی خیال روز برنامه نویسی شوید. دنبال یک بهانه می گشتم سر حرف را با شما باز کنیم که شد. حالا که این طور شد باید عرض کنم یکی دیگر از مقاماتی که خیلی به امر برنامه ریزی اهمیت می دهد و می داد کیانوش جهانپور رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت است که در خصوص کمبود کره در کشور و سهمیه بندی شدن آن گفته مردم به جای کره، روغن آووکادو، آجیل و ماهی مصرف کنند. فردا اگر روابط عمومی وزارت نفت هم در مورد قیمت واکسن کرونا اظهار نظر کرد، دوستان خرده نگیرند که چرا. خوشبختانه در این کشور همه در تمام امور کارشناس هستند اما مسئولیت ندارند.

در این کشور یکی از راه های مقابله با هر چیزی ندیدن آن چیز و در واقع شتر دیدی ندیدی است؛ مثلا می گویند اگر سیب گران است نخرید یا اگر ملک گران شده، خانه نخرید. باز خدا به این دکتر جهانپور خیر بدهد که فقط نگفت نخرید بلکه راه حل هم ارائه کرد و گفت به جای کره آجیل بخرید. این طور که پیش می رویم به زودی بعید نیست مسئولان بگویند اگر نفس کشیدن در هوای آلوده مضر است، نفس نکشید و به جاش پسته بخورید.

فقط می ترسم فردا یکی دیگر پیدایش بشود و بگوید حالا که کره نایاب است خاویار بخورید. بالاغیرتا راحل می دهید راحل ماری آنتوانتی نهدید. اگر مثل من نمی دانید معروف ترین جمله ماری آنتوانتی چه بوده به سیاق سرهنگ علیفر، یواشکی بروید تو ویکی پدیای فارسی و اسمش را جست و جو کنید.

قبلا می گفتند برخی مردم ایران زمین از آب کره می گیرند. حالا که کره نایاب شده نشان دهنده این است که آب در این سرزمین کم شده. به سبک رئیس مرکز روابط عمومی وزارت بهداشت به شما توصیه می کنم برای جلوگیری از احتکار و کمبود کره در مصرف آب هم صرفه جویی کنید.

تماشاخانه



نازنین جمشیدی
کارتونیست
nana.jamshidi@gmail.com



شهرنگ

آموزش فجازی

چگونه خالق حس های خوب زندگی مان باشیم

بر اساس یک داستان واقعی

دیروز در مسیر بازگشت از سرکار احساس کردم وقت آن رسیده است که دیگر تغییر کنم. نمی شود که تا ابد در این لجن زار دست و پا بزنم. البته این احساس هر چند وقت یک بار به من دست می دهد، ولی این بار فرق می کرد. آن طور که از اینستاگرام دستگیرم شده بود، برای موفقیت و خلق حس خوب باید ابتدا از لیوان گل گلی شروع کرد. پس به ماگ فروشی رفتم و یک ماگ گلی گلی خوش عکس خریدم. اما این کافی نبود، من باید یک تغییر اساسی تر در زندگی ام ایجاد می کردم. بنابراین با الهام از جمله وقتی همه ترمز می کنند تو گاز بده، رفتم دمنوش خریدم. البته با وجود تمام احترامی که برای جای قائل

سعیده حسنی

هم بگذارم توی کادر که دیدم ناخن هایم خیلی کچ و کوله است. باید یک وقت ناخن بگیرم، ولی امان از کرونا و ذهن فقیرم. نمی دانم چرا نمی توانم خودم را قانع کنم که پول پای مانیکور و دیزاین ناخن بدهم. احتمالا اینکه حقوقم به سختی تا آخر ماه رami کشد، بی تاثیر نیست. مطمئنا دامادی که نتوانم با افتخار عکس دستم را در استوری کنار کتاب و ماگم بگذارم، موفقیت به من لبخند نخواهند زد.
البته قضیه اینجا تمام نمی شود. اگر می توانستم یک طراح داخلی بیاورم و خانم را بازسازی کنم تا دیگر در بندینان، نماهای بسته نباشم و یک اکستریم لانگ شات از خودم به دنیا آرایه بدهم، حتما خیلی بهتر می شد. البته باز هم کمی ریزه کاری می ماند. مثلا جای خالی یک همسر خوش تیپ با قد ۱۹۰ و صورت استخوانی و موهایی جوگندمی که از دو دهک بالای درآمدی باشد هم حس می شود. در این صورت می توانستیم در یک نمای دوره ای عکس های دوتایی از سالگرد و ماهگرد و ساعت گرد و یاد ساعت گرد خود بگذاریم تا چشم جهانیان و اکس های سابق و اسبقم را در بیاورم. اما متاسفانه این مرحله از موفقیت برای من قفل است و من تا همان ماگش رami توانم تقبل کنم.

هستم، باید بگویم خیلی دم دستی است. مردم همه جای می خورند، اما کمتر کسی حاضر می شود از لذت نوشیدن جای بگذرد و در عوض یک نوشیدنی با طعم زهرمار را جایگزین کند و در ادامه باورش هم بشود که چقدر فوق العاده است. این کار از پس هر کسی بر نمی آید.
به دمنوش فروشی رفتم. آخرین بار سال ۹۷ این دمنوش را خریده بودم. همان زمان که تصمیم گرفتم سبک زندگی ام را ریشه ای تغییر دهم و دیگر افسرد و مضطرب نباشم. دمنوش را سال ۹۷ با دلار پنج تومانی، ۱۳ هزار تومان خریده بودم و این بار دلار بیست و چند تومانی ۴۹ هزار تومان بابت همان بسته پول دادم که خیلی خوشحال شدم. چون با یک تناسب ساده در می یابیم که دست کم باید ۶۰ تومان می دادم. البته اینکه قیمت پونه و کاکوتی و پنیرک چرا باید وابسته به دلار باشد، موضوعی است که بر من پوشیده است، ولی باز هم خدا را شکر.
به خانه که آمدم، کتاب ملت عشقی که هدیه گرفته بودم، برداشتم گذاشتم روی میز، ماگ گل گلی حاوی دمنوش را هم گذاشتم کنارش. می خواستم دست خودم را